

International responsibility of governments for environmental violations

Ali Faghih Habibi*

Abstract

One of the tools through which the environment can be protected internationally is to create accountability for governments. Under international liability law, a country to which an act or omission is contrary to international law and regulation must compensate the country or countries affected by it, in effect a breach of any obligation under international law. A noteworthy point about international environmental law is its various dimensions and elements and the breadth of its issues, especially that part of environmental issues that is of a "cross-border" nature, such as border pollution and the destruction of the international environment. Today, world leaders are increasingly shifting environmental issues from the margins to the political agenda. Researchers in international law, on the other hand, have established rules regarding the responsibilities and obligations of governments, especially in responding to border demolition and pollution. On the other hand, the establishment of the International Criminal Court can be considered as one of the significant international measures in the criminal protection of non-overt environmental protection, but despite the fact that the issue of international responsibility has found a significant place in international law. In international environmental law and compensation in this area, the issue of international responsibility remains brief and vague, although in recent years its development has been better than before. The present article has investigated the criminal

* Ph.D. in Political Science, Issues of Iran, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, faghih.habibi@gmail.com

Date received: 24.08.2021, Date of acceptance: 13.10.2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

responsibility of governments in the field of environment using descriptive-analytical method and library and electronic resources.

Keywords: Environment, International Law, Criminal Liability, Governments, violations.

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق محیط زیست

علی فقیه حبیبی*

چکیده

یکی از ابزارهای که می‌توان از محیط زیست در عرصه بین‌المللی حفاظت کرد، ایجاد مسئولیت برای دولت‌ها است. امروزه از مهمترین دغدغه‌های جامعه بین‌المللی محیط زیست و صدمات وارده بر آن است. در این پژوهش بدنبال پاسخ به این سوال که چگونه با استفاده از یکی از ابزارهای مورد توجه در این خصوص «مسئولیت بین‌المللی» می‌توان راهکارهای ثمربخش برای کاهش خسارات پیردازیم؟ که برای جمع‌آوری اطلاعات از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی، مسئولیت کیفری دولت‌ها در زمینه محیط زیست را تحلیل می‌کنیم. براساس حقوق مسئولیت بین‌المللی، کشوری که فعل یا ترک فعل مغایر با قوانین و مقررات بین‌المللی به او متسبب است باید خسارت وارد به کشور یا کشورهای متضرر را جبران نماید. امروزه رهبران جهان به طور فزاینده‌ای مسائل محیط زیست را از بخش‌های حاشیه‌ای و جانبی به دستور کار اصلی سیاسی منتقل کرده‌اند. همچنین تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان یکی از اقدامات قابل توجه بین‌المللی در حمایت کیفری غیرآشکار از محیط زیست محسوب می‌شود اما علی‌رغم این که موضوع مسئولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل جایگاه قابل توجهی یافته، در حقوق بین‌الملل محیط زیست و جبران خسارات، بحث مسئولیت بین‌المللی به‌صورت اجمالی و مبهم باقی مانده است.

کلیدواژه‌ها: محیط زیست، حقوق بین‌الملل، مسئولیت کیفری، دولت‌ها، خسارت.

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی - تهران جنوب، faghih.habibi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

محیط زیست و صدمات وارده بر آن امروزه از مهمترین دغدغه های جامعه بین المللی است و حقوقدانان بین المللی به دنبال دستیابی به راهکارهای ثمربخش برای کاهش خسارات وارد بر آن هستند. یکی از ابزارهای مورد توجه در این خصوص «مسئولیت بین المللی» است. این مقوله از سبقه تاریخی قابل توجهی در حقوق بین الملل به خصوص در مبحث حقوق بین الملل محیط زیست بر خوردار نیست و بیشتر جنبه عرفی دارد. اما امروزه گامهای مؤثری از طریق انعقاد معاهدات بین المللی در باب مسئولیت برداشته شده است لکن بخش مسئولیت مدنی بیشتر مورد نظر قرار گرفته است با این توجه که به لحاظ عقلایی نمیتوان از پاسخهای کیفری نظیر سلب آزادی در خصوص تابعان حقوق بین الملل که شامل دولتها و سازمانهای بین المللی است استفاده نمود اما اساساً در مبانی حقوق، مسئولیت دارای بعد کیفری نیز می باشد که بعد اخیر در عمل مدنظر قرار نمیگیرد. لکن از آنجا که پاسخهای کیفری تنها محدود به مجازاتهای سالب آزادی نیست باید برای پرننگتر شدن این بعد تلاش بیشتری صورت گیرد کما اینکه در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، ورود خسارت بر محیط زیست در قالب جرایم بین المللی قرار گرفته که مراتب آثاری است و با توجه به این امر میتوان در خصوص ورود خسارت بر محیط زیست و اجزای آن، علیه دولت یا کشوری که مبادرت به جرم بین المللی زیست محیطی نموده است، طرح دعوی نمود. در این راستا مسئولیت بین المللی دولتهای توانمند در جهت ایجاد ضمانت اجرایی به منظور تعهد به مقررات بین المللی درباره محیط زیست و آلودگیهای فرامرزی و تخریب بین المللی بکار گرفته شود.

۲. چهارچوب مفهومی

۱.۲ مسئولیت بین المللی

مسئولیت بین المللی به مثابه یک نهاد حقوقی بین الملل عبارت است از الزام به جبران خسارت مادی یا معنوی وارد بر تابعان حقوق بین الملل که این خسارت باید ناشی از عمل یا خودداری از عمل غیرمشروع و مخالف حقوق بین الملل یکی از موضوعات یا تابعان حقوق بین الملل باشد. برای تحقق مسئولیت بین المللی یک دولت، تخلف بین المللی باید قابلیت انتساب به آن دولت را نیز داشته باشد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴، ۳)

۲.۲ عناصر متشکله فعل متخلفانه بین‌المللی دولت

تخلف بین‌المللی یک دولت زمانی محرز می‌گردد که فعل یا ترک فعل تشکیل دهنده اقدام:

الف. طبق حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت باشد.

ب. نقض یک تعهد بین‌المللی آن دولت باشد. (ماده ۱)

۳.۲ انتساب عمل به دولت

در رویه قضایی بین‌المللی اصلی ایجاد گردیده است که اعمال ارتكابی توسط ارگانها یا نمایندگان یک دولت که یک تعهد بین‌المللی را نقض می‌نماید ممکن است به آن دولت منتسب گردد. موقعیت یک ارگان دولتی که در حیطه تشکیلاتی یک حکومت عمل میکند، میزان مسئولیت دولتی را که آن عمل و رفتار از آن سر زده است، تغییر نمی‌دهد. بند ۱ ماده ۲۸۴ کنوانسیون حقوق دریاها که یک معاهده الزام آور می‌باشد این تعهد و مسئولیت را ابراز می‌دارد:

دولتها باید کلیه اقدامات لازم را انجام داده تا اطمینان حاصل نمایند، که فعالیتهای واقع در تحت نظارت یا قلمروشان به گونه ای انجام پذیرد که از جهت آلودگی باعث وارد آمدن خسارت به کشورهای دیگر و محیط های زیستشان نگردد و نیز آلودگی ناشی از حوادث یا فعالیت هایی که در تحت نظارت یا قلمروشان است به فراسوی مناطقی که آنان در آنها حقوق مربوط به حاکمیت را بر طبق مقررات این کنوانسیون اعمال می نمایند، گسترش نیابد. (فرشاسعید و عیسی زاده، ۱۳۹۴، ۵)

معاهدات متعددی نیز مسئولیت دولت ها را از جهت جلوگیری از عواملی که در قلمرو قضاییشان باعث وارد آمدن زیان های عمده محیط زیستی به خارج از قلمرو ملی گشته و نیز مقرراتی را که بر ای جبران خسارت به لحاظ قصور آنها در مورد انجام اقدامات لازم ادعا میشود، صریحاً مشخص نموده اند. (موسوی، ۱۳۸۴، ۴۸)

۴.۲ اصل نقض وظیفه

حتی اگر بتوان عمل مورد نظر را به دولت منشأ خسارت اسناد داد، بار نمودن مسئولیت بر دوش آن دولت، باز نیاز به این دارد که یک تعهد بین‌المللی نقض شده باشد. برای آلودگی

مرزگذر مسئولیت در مورد انتساب عمل به دولتی تعلق میگیرد که اصل (SIC UTERE TUO) (UT ALLENUM NON LAEDAS) (از دارایی خود چنان استفاده کنید که به دیگری لطمه وارد نیاید) را نقض کرده باشد.

به موجب این اصل، یک دولت وظیفه جلوگیری از اعمالی را به عهده دارد که سبب وارد آوردن آسیب و خسارت به اشخاصی در قلمرو کشوری دیگر میگردد.

قضیه داوری تریل اسملتر در سال ۱۹۳۸، اصل مزبور را در رویه قضایی محیطزیست بین المللی وارد نمود. (موسوی ۱۳۸۴، ۳۸۵)

در واقع، سومین بیانیه تجزیه و تحلیل حقوقی ۱۹۸۷ در مورد روابط خارجی آمریکا که اصولش درباره ی حقوق محیط زیست ریشه گرفته از حقوق بین الملل عرفی است، تأکید می نماید که یک دولت بایستی تمام اقدامات ضروری را تا حد امکان، برای جلوگیری از فعالیت هایی که در محدوده ی قضایی یا نظارتش انجام میگیرد و موجب آسیب و صدمات عمده ای به محیط زیست خارج از قلمروش میگردد، انجام دهد. بیانیه مذکور همچنین مسئولیت دولت را در مورد هرگونه آسیب عمده ی محیط زیست به مناطق فراتر از حد قلمرو ملی که ناشی از چنین نقض عمدی باشد مشخص و تدوین میکند.

دولتها، علاوه بر این، معاهدات و بیانیه هایی را که برمسئولیت آن ها در خصوص جلوگیری از آسیب های زیست محیطی مرزگذر تأکید می کند مورد پذیرش و تصویب قرار داده اند. به عنوان مثال: اصل ۲۱ بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ درباره محیطزیست انسان که امروزه تدوینی است از یک قاعده عرفی حقوق بین الملل بر دولتها «مسئولیتی را مبنی بر اینکه آن ها باید اطمینان حاصل نمایند، فعالیتهایی که در محدوده ی نظارت و قلمروشان انجام میگیرد، سبب خسارتی عمده به محیطزیست کشورهای دیگر یا محیطزیست هر ناحیه ای فراسوی قلمرو ملی شان نمیگردد»، بار مینماید.

کما اینکه ماده (۲) از کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ که یک معاهده الزام آور است این تعهد و مسئولیت را ابراز میدارد:

دولت ها باید کلیه اقدامات لازم را انجام داده تا اطمینان حاصل نمایند که فعالیت های واقع در تحت نظارت یا قلمروشان به گونه ای انجام پذیرد که از جهت آلودگی باعث وارد آوردن خسارت به کشورهای دیگر و محیط های زیست آنها نگردد و نیز آلودگی ناشی از حوادث یا فعالیت هایی که در تحت نظارت یا قلمروشان است به فراسوی

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق محیط زیست (علی فقیه حبیبی) ۱۹۵

مناطق که آنان در آن‌ها حقوق مربوط به حاکمیت را برطبق مقررات این کنوانسیون اعمال مینمایند، گسترش نیابد. (پورنوری و حبیبی، ۱۳۸۵، ۱۴۸)

بر طبق نظریه قدیمی مسئولیت دولت، هر عمل غیر قانونی بین‌المللی که یک دولت انجام دهد موجب مسئولیت بین‌المللی است. بر این مبنا دولتی که از طریق آلودگی متضرر میشود و موجبات ضرر قابل اثبات به اموال یا اشخاص دولت دیگر را فراهم میکند، برای هر دو مورد مسئول است. بدین وسیله از گذشته تاکنون قواعد حاکم بین‌المللی مقرراتی در خصوص مسئولیت دولت برای جبران زیان وارده زیست محیطی مقرر داشته اند. اصل مسئولیت دولت راجع به زیان زیست محیطی در اسناد غیر الزام‌آور نیز وجود دارد به طوریکه اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم مقرر میدارد که «دولتها مسئولیت دارند که مراقبت کنند تا فعالیتهای تحت قلمرو آنها موجب آسیب به محیط‌زیست دیگر کشورها یا مناطق خارج از قلمرو ملی آنها نگردد». کما اینکه اصل ۳ اعلامیه ریو از دولتها میخواهد که قوانین ملی را در خصوص مسئولیت و جبران خسارت زیان دیدگان و دیگر خسارات زیست محیطی توسعه دهند. آنها باید به سرعت و با قاطعیت برای تنظیم یکسری قوانین بین‌المللی با تضمین جبران خسارات و پیامدهای منفی آلودگی محیط زیست با یکدیگر همکاری کنند و متعهد به جبران خسارات ناشی از فعالیتهایی که در محدوده قلمرو خود یا مناطق تحت کنترل آن سوی قلمرو خود هستند، باشند.

دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۶۶ اظهار کرد که عدم اجرای تعهد که سبب صدمه فرامرزی به محیط زیست گردد، اکنون بخشی از حقوق بین‌المللی عمومی است (نظر مشورتی دیوان در خصوص مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاحهای هستهای جولای ۱۹۶۶) بنابراین دولت‌ها باید فوراً پس از وقوع هر حادثه اعم از طبیعی و یا وضعیت اضطراری که احتمال می‌رود دارای اثرات مضر و غیر قابل پیش‌بینی بر محیط زیست دولتهای دیگر باشد، آن را به آنها اعلام دارند. (اصل ۱۸ اعلامیه ریو). (حبیبی، ۱۳۸۲، ۸۹۸)

۳. معیارهای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در تعیین خسارات بر محیط زیست

طبق اصل ۱۸ اعلامیه جامعه بین‌المللی میخواهد دو نوع تکلیف را بر دولت‌ها برای حفظ محیط‌زیست که ممکن است به برخی یا همه کشورها مربوط شود بار نماید. (دفتر حقوقی و امور مجلس، ۱۳۸۳، ۱۲)

یک دسته از این تکالیف که از طریق هماهنگی و همکاری و انجام اقداماتی خاص با حسن نیت کامل باید انجام پذیرد تا اصولاً از انجام خطرات وارد بر محیط زیست جلوگیری به عمل آید یا خسارات آن را به حداقل برساند یا با وضع قوانین مسئولیتی داخلی، موضوع را از لحاظ تعیین مسئولیت و پرداخت غرامت لازم مشخص کنند تا جبران خسارت، نسبتاً به راحتی انجام پذیرد.

دسته دوم، تکالیف پس از بروز حادثه است که علی‌الاصول مسئولیت عینی دولت آلوده کننده پذیرفته میشود مگر این که موارد خاص و استثنایی وجود داشته باشند که به روشنی نتوان کشور آلاینده را مسئول دانست یا این که به طریقی بتوان از مسئولیت وی کاست. در همین راستا ضمن این که باید به قاعده پذیرفته شده در اعلامیه ریو یعنی «مسئولیت مشترک ولی متفاوت دولتها» توجه نمود، باید این تکلیف جامعه بین‌المللی را خاطر نشان کرد که «باید تمام توان خود را برای کمک به دولت‌های فاجعه دیده به کار گیرد (اصل بیانیه ریو ۱۸)» بنابراین شاید به طور خلاصه بتوان گفت که اعلامیه ریو شاید «مسئولیت عینی» را در جامعه بین‌المللی به عنوان اصل، با توجه به ضوابط و تمهیداتی جهت پیشگیری و نیز کمک‌های بعد از بروز حوادث به‌عنوان وظیفه‌ی دولتهای دیگر و جامعه بین‌المللی پذیرفته است. (پور هاشمی و موسوی، ۸۶، ۱۳۹۰)

۱.۳ خسارات زیست محیطی

خسارت عبارت است از زیان یا صدمه‌ای که در نتیجه فعل یا ترک فعل اشخاص حقیقی یا حقوقی و یا در اثر بروز حوادث طبیعی به افراد، اموال و یا محیط زیست وارد می‌گردد. این واژه به فراخور تحولات و پیشرفت‌ها در هر برهه‌ای از زمان، و در عرصه‌های مختلف، ابعاد گوناگون یافته است. از آن جمله می‌توان از رأی داوری تریل اسملتر، ماده (۱) بند (۷) کنوانسیون راجع به مسئولیت «متصدیان کشتی‌های اتمی مصوب ۱۹۶۲ بروکسل، ماده (۱) کنوانسیون راجع به مسئولیت «مصوب ۱۹۶۲ بروکسل ماده ۱» متصدیان کشتی‌های اتمی کنوانسیون راجع «مصوب ۱۹۶۰ پاریس» در قبال شخص ثالث در زمینه انرژی هسته‌ای مصوب ۱۹۷۲ نام برد. در به مسئولیت بین‌المللی برای خسارت ناشی از اجسام فضایی تمام موارد مذکور، خسارت به معنای سلب حیات، صدمه شخصی، تلف مال و یا لطمه به آن تعریف شده است.

این تعریف نسبت به مسائل و خسارت زیست محیطی محدود و مضیق است و به نظر می‌رسد که خسارت زیست محیطی یا اکولوژیکی را از نظر دور داشته است. از طرف دیگر این تعریف، شکل خاصی از تسلط و مالکیت را در خود نهفته دارد، و بدین خاطر به نظر می‌رسد در شمول عنوان خسارت نسبت به تخریب و انهدام مشترکات عمومی تردید ایجاد کند. واژه (خسارت) در حقوق، همواره در حیطه روابط انسانی مفهوم داشته و تحدید معنای خسارت به حوزه صدمات اموال شخصی تقریباً یک تفکر حقوقی است. این برداشت، پذیرش خسارت وارد شده به محیط زیست و خساراتی که نتوان ثابت نمود در سلامت جسمی، حیات اشخاص، یا مالکیت آن‌ها تأثیر می‌گذارد را با مشکل مواجه کرده است. در سطح حقوق داخلی اگر نتوان محیط زیست را متعلق به دولت دانست، حداقل این امر بدیهی است که دولت مکلف است محیط زیست کشور خود را تا حد ممکن برای رفاه و استفاده مطلوب شهروندان خویش محافظت کند. به همین خاطر، حق افراد بر محیط زیست سالم، در شمار یکی از مصادیق حقوق بشر قرار گرفته است. این نکته در اصل اعلامیه استکهلم آمده است.

بی تردید توسعه حقوق بشر در ارائه تعریفی گسترده از خسارات زیست محیطی، تأثیر فراوانی مصوب «کنوانسیون راجع به مسئولیت مدنی نسبت به خسارات آلودگی نفت ۱۹۶۹ بروکسل» داشته است که در سال ۱۹۸۴ اصلاح گردید برای واژه خسارت معنای گسترده تری قائل شد. بدین ترتیب که بنا بر بند (۶) ماده (۱) این واژه، هزینه اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده که جهت کاهش خسارات به کار می‌رود و اقدامات معقولی که به جهت کاهش خسارات به کار می‌رود و اقدامات معقولی که به منظور بالا بردن توازن مقاومت محیط زیست صورت می‌گیرد را پوشش می‌دهد (فقیه حبیبی، ۱۳۹۵، ۱۱۷) همچنین کنوانسیون بین‌المللی جنوبگان در خصوص تنظیم اقدامات راجع به منابع معدنی زیست محیطی آورده است: هرگونه پیامد و اثر بر بخش‌های زنده و غیرزنده محیط زیست جنوبگان یا اکوسیستم‌های آن از جمله صدمه به حمایت اتمسفری آبی بیش از میزان متعارف، خسارت تلقی می‌شود.

همچنین رهنمودهای تهیه شده برای اروپا توسط کمیسیون اقتصادی ملل متحد در مورد مسئولیت در قبال آلودگی‌های آبی فرامرزی، خسارات را به عنوان مبنایی برای میزان غرامت یا جبران آن چنین تعریف می‌کند:

- از دست دادن حیات، صدمه به سلامتی یا هر نوع زیان شخصی

- هر نوع آسیب دیدن یا تلف شدن مال یا عدم النفع
- بروز تغییرات سوء و مضر در اکوسیستم، شامل:

۱. هزینه های اقدامات معقول اعاده واقعی وضعیتی که محقق شده یا اقداماتی که باید صورت پذیرفت و

۲. خسارات زائد بر آنچه در قسمت (۱) بدان اشاره شد.

۳. هزینه اقدامات بازدارنده و خسارات بیشتری از آن اقدامات ناشی می شود.

عدم وجود تعریف جامع و مانع از خسارات زیست محیطی در حقوق بین الملل، عمده ترین مانع پیش روی جبران خسارات زیست محیطی در عمل می باشد. به گونه ای که در قضیه کوسموس فقدان تعریف از خسارات زیست محیطی در کنوانسیون سال ۱۹۷۲ در خصوص دادگاه مسئولیت بین المللی دولت ها راجع به اشیاء فضایی را با مشکل مواجه کرد. در این قضیه بسیاری از خساراتی که دولت کانادا مطالبه می کرد، علیرغم حیاتی بودن آن ها در جهت حفظ بقای آن دولت، در زمره خسارات وارده به اموال و یا اشخاص مطروحه در کنوانسیون مزبور نمی گنجد (موسوی، ۱۳۸۷، ۳۳۲) اولین بار توسط یکی از حقوق دانان فرانسه واژه « خسارت زیست محیطی » به کار گرفته شد که بیشتر بر خسارت های با واسطه ناشی از محیط زیست اشاره داشت (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۲۹۵). در سال ۱۹۹۸ میلادی یک گروه کاری در ارتباط با موضوع مسئولیت و جبران (خسارات زیست محیطی به وسیله برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد UNEP) تشکیل شد. وظیفه این گروه بازبینی گسترده بر اسناد جهانی و منطقه ای و قانون گذاری های داخلی و به طور کلی رویه دولت ها به منظور ارائه تعریفی جامع از اصطلاح « خسارات زیست محیطی » عنوان شد (موسوی، ۱۳۸۷، ۳۳۳)

۲.۳ ارزیابی خسارات زیست محیطی

یکی از ابزارهای قانونمند و عام الشمول در حقوق محیط زیست تطبیقی به منظور تضمین پایداری توسعه به ویژه از بعد تحقق بخشیدن به اصول تضمین پایداری، تعادل و کارآیی توسعه پایدار «ارزیابی پیامدهای زیست محیطی» است. (ساعد، ۱۳۸۹، ۱۹۴) اما برآورد خسارت به ارقام، که در حقوق بین الملل بسیار حائز اهمیت است، در عرصه خسارات زیست محیطی با مشکل مواجه می گردد، زیرا در بسیاری موارد، عناصر زیست محیطی را به سختی

می‌توان با پول ارزیابی کرد. به عنوان مثال، خسارات وارده به محیط زیست به لحاظ از بین رفتن حیات وحش و یا گونه‌های گیاهی مستقیماً با معیار پولی قابل اندازه‌گیری نیستند. شاید به همین خاطر مالیت داشتن عناصر زیست محیطی در حقوق بین‌الملل محیط زیست مدنظر نبوده است و این عناصر از منظر ارزش ذاتی مورد توجه قرار می‌گیرد. برای نمونه ماده ۳، «پروتکل الحاقی حفاظتی از محیط زیست به معاهده جنوبگان» ارزش ذاتی جنوبگان از جمله، زیبایی و جالب توجه بودن آن را به رسمیت می‌شناسد و برای حفاظت از آن تلاش می‌کند. عبارت مشابه آن را می‌توان در مقدمه ی «کنوانسیون تنوع زیستی» یافت. (ولفرم، ۱۳۸۱، ۷۰) اما در کنوانسیون وین راجع به «مسئولیت مدنی برای صدمات اتمی» نیز مسئولیت عامل را به ۵ میلیون دلار آمریکا در هر حادثه اتمی محدود کرد. در این کنوانسیون همچنین زمان طرح دعاوی مربوط به جبران خسارات نیز محدود می‌شود و حقوق بر جبران خسارت‌مغی می‌شود در صورتی که دعاوی در عرض ۱۰ سال پس از تاریخ حادثه اتمی اقامه نشود.

صلاحیت رسیدگی به این دعاوی نیز به دادگاه‌های کشورهای طرف معاهده محدود می‌شود که این حادثه در کشور وی اتفاق افتاده است. به علاوه نمونه بارز اتخاذ چنین روشی در رویه قضایی بین‌المللی، قضیه کوسموس مطروحه بین روسیه و کانادا در سال ۱۹۸۴ میلادی است. اختلاف مطروحه در این قضیه بر سر تعیین میزان خسارات بود. کانادا این خسارات را ۱۴ میلیون دلار از جمله ۶ میلیون دلار برای عملیات پاک‌سازی تخمین می‌زد. درحالی‌که چنین خساراتی در کنوانسیون مسئولیت برای اشیاء فضایی سال ۱۹۷۲ میلادی پیش‌بینی نشده بود. سرانجام دولت روسیه بر اساس توافق طرفین در ارتباط با عملیات پاک‌سازی تنها سه میلیون دلار پرداخت کرد. (موسوی، ۱۳۸۷، ۳۳۶)

از این رو تعیین یک سطح حداقلی این اجازه را خواهد داد که خسارت زودگذر، اندک و قابل تحمل زیست محیطی نادیده انگاشته شود و تنها خساراتی که بالاتر از حد مجاز برآورده شده‌اند، مسئولیت عامل خسارت را به همراه داشته باشد. در این زمینه کمیسیون حقوق بین‌الملل معتقد است تأثیر سوء بر اکوسیستم باید «قابل ارزیابی» و «قابل ملاحظه» اساسی یا فراتر از سطح معمولی قابل اغماض باشد. به علاوه به اعتقاد کمیسیون چنین معیارهای حداقلی باید انعطاف‌پذیر و بر اساس شرایط طبیعی و منطقه‌ای متفاوت باشند. زیرا برای مثال، اثر سویی که از صید غیرمجاز یک گونه نادر جانوری بر محیط زیست وارد می‌شود با صید گونه‌ای دیگر که صرفاً به دلیل صید آن در فصول معین از سال ممنوع شده است، قابل

قیاس نیست. (زمانی، ۱۳۸۱، ۴۷) بنابراین ارزیابی پیامدهای زیست محیطی، در حوزه فرامرزی نیز به طور فزاینده ای مهم تلقی شده اند. برای مثال، شورای حکام یونپا توصیه می کند: که کلیه دولت ها «قبل از هرگونه درگیری در یک فعالیت مربوط به منابع طبیعی مشترک که ممکن است خطر مهم و مؤثری برای محیط زیست دولت یا دولت های دیگر شریک آن منبع داشته باشد، ارزیابی زیست محیطی را به عمل آورند». (ساعد، ۱۳۸۹، ۱۹۵) بی تردید با افزایش اهمیت بیمه و تضمینات مالی در عرصه محیط زیست و رابطه متقابل آن با فعالیت های اقتصادی، می توان انتظار داشت که این حوزه ی حقوقی شاهد توسعه ای اساسی در آینده اینزدیک باشد. (زمانی، ۱۳۸۱، ۵۰)

۳.۳ طرح پیش نویس جلوگیری از خسارات فرامرزی ناشی از فعالیت های خطرناک (draft articles on prevention of transboundary harm from hazardous activities)

در سال ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل در پنجاهمین نشست خود، پیش نویس مواد راجع به جلوگیری از خسارات فرامرزی ناشی از فعالیت های خطرناک را تصویب کرد. این فعالیتها که مواد اخیر در مورد آنها اعمال می شود آنهایی هستند که در حقوق بین الملل منع نشده اند اما امکان بروز خسارت محسوس فرامرزی در آنها نهفته است. (ماده ۲ طرح پیش نویس مواد راجع به جلوگیری از خسارات فرامرزی ناشی از فعالیت های خطرناک ۲۰۰۱) این مواد فقط به مواردی مربوط می شود که خطر قابل ملاحظه ای قلمرو کشوری جز کشور محل انجام فعالیت ذیربط را تهدید کند.

این پیش نویس قلمرو مقررات خود را محدود به پیشگیری ضرر و زیان فرامرزی ناشی از فعالیت های خطرناک محدود کرده و شامل پیشگیری زیانهای غیر فرامرزی نمی شود. منظور از فعالیت در پیش نویس مذکور فعالیتی است که توسط حقوق بین الملل منع نشده باشد. در حقیقت پیش نویس با محدود کردن دامنه شمول این فعالیتها تفکیکی میان این نوع مسئولیت با مسئولیت بین المللی دولتها ناشی از اعمال متخلفانه بین المللی ایجاد کرده است. پیش نویس درخصوص اعمال غیر ممنوع در حقوق بین الملل فرض را بر جواز فعالیت ها گذاشته و ممنوع بودن آن را مستلزم ارائه دلیل دانسته است. از طرفی بر اساس این پیش نویس دو نوع تعهد برای دولتها وجود دارد. یکی تعهد به پیشگیری از ضرر و زیان فرامرزی و دیگری تعهد به

کاهش خطر بروز چنین ضرر و زیان‌هایی به عبارت دیگر در وهله نخست، دولت منشأ فعالیت متعهد است که از ضرر و زیان فرامرزی پیشگیری کند و اگر توانایی ایفای چنین تعهدی را نداشت، در آن صورت ملزم است در جهت کاهش خطر بروز این ضرر و زیان اقدام کند (commentaries to draft articles of transboundary harm, 2001, 390-391). تعهد دولتهای منشأ پیشگیری زیان فرامرزی، یا کاهش خطر اعمال آن تعهد (پیشگیری زیان فرامرزی) از نوع «اقدامات مقتضی» اعمال مراقبت‌های لازم، یا تعهد به وسیله است و تعهد بر اساس امکانات و توان متعهد است و هدف آن، تضمین پیشگیری ورود ضرر به نحو کامل نمی‌باشد. همچنین در پیش نویس، چگونگی پیشگیری ضرر و زیان فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک مد نظر قرار گرفته و برای این منظور، روشها و ترتیباتی به شرح زیر مقرر شده است:

- پیشگیری از طریق اعطای مجوز
- پیشگیری از طریق ارزیابی خطر
- پیشگیری از طریق اعلام و اطلاع
- پیشگیری از طریق تبادل اطلاعات و اعلام خطرات و زیانهای احتمالی به عموم
- پیشگیری از طریق آمادگی اضطراری و اطلاع از وضعیت اضطراری

۴.۳ جبران خسارت بر اساس طرح پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی

بر اساس حقوق بین‌الملل، مسئولیت دولتها، اصولاً به صرف نقض تعهد از جانب دولت نقض‌کننده تحقق پیدا می‌کند و ورود ضرر شرط تحقق چنین مسئولیتی نمی‌باشد. لذا هنگامی که دولتی تعهد بین‌المللی خود را نقض کرد و فعل یا ترک فعل موجب چنین نقضی به آن متسبب شد، مسئولیت بین‌المللی چنین دولتی محقق می‌گردد و آن دولت ملزم به جبران خسارات وارد شده می‌شود. بر اساس طرح مسئولیت بین‌المللی دولتها ۲۰۰۱ شرط ایجاد مسئولیت یک دولت، ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی است. (فرشاسعید و عیسی زاده، ۱۳۹۴، ۸)

۴. اصول حاکم بر جبران خسارت

۱.۴ اصل جبران کامل خسارت

بر اساس قوانین حاکم بر مسئولیت بین المللی دولتها، خسارات وارد شده باید به صورت کامل جبران شود. (طرح مسئولیت بین المللی دولت، ماده ۳۱ بند ۱) تعهد دولت مسئول طبق ماده ۳۱ «ترمیم کامل» در مفهوم به کار رفته در پرونده کارخانه کورزوف است». به عبارت دیگر دولت مسئول باید سعی کند که «همه آثار فعل غیر قانونی را زدوده و وضعیتی را که به قرب احتمال در صورت عدم ارتکاب آن فعل وجود می داشته است، دوباره برقرار سازد. بنابراین دولت مسئول باید همه تلاش خود را برای از بین بردن کلیه نتایج عمل متخلفانه به عمل آورد و وضعیتی را که قبل از ارتکاب عمل متخلفانه وجود داشته است با استفاده از روشهای جبران خسارت اعاده نماید.

منظور از جبران کامل خسارت این است که دولت مسئول مکلف است هر زیانی را که به وسیله ارتکاب فعل متخلفانه به دولت یا دولتهای دیگر وارد آورده است جبران کند. این خسارات اعم از خسارات مادی و معنوی است (طرح مسئولیت بین المللی دولت، ماده ۳۱ بند ۲) و دولت زیان زنده ملزم به جبران هر دو زیان است. منظور از زیانهای قابل جبران، زیانهای است که در اثر ارتکاب فعل متخلفانه به وجود آمده اند. بنابراین باید بین عمل متخلفانه و زیان ایجاد شده رابطه ای وجود داشته باشد. یعنی نقض تعهد بین المللی قابل انتساب به دولت، علت اصلی آن زیان و خسارت باشد تا دولت نقض کننده تعهد، موظف به جبران آن خسارت باشد.

۲.۴ اصل عدم تاثیر حقوق داخلی

بر اساس ماده ۳ طرح مسئولیت بین المللی دولت: «توصیف فعل دولت به عنوان فعل متخلفانه بین المللی تابع حقوق بین الملل است. توصیف مذکور متأثر از توصیف همان فعل به عنوان فعلی قانونی به موجب حقوق داخلی نیست.» همچنین ماده ۳۲ این طرح، در مورد تعهد به جبران خسارت و توقف عمل متخلفانه اشعار می دارد که: «دولت مسئول نمی تواند برای توجیه قصور در عدم رعایت تعهداتش به موجب این بخش به مقررات حقوق داخلی خویش استناد کند». این دو ماده به عدم توسل به حقوق داخلی، چه برای توجیه نقض تعهدات بین

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق محیط زیست (علی فقیه حبیبی) ۲۰۳

المللی و چه برای فرار از تعهد به جبران خسارت و توقف عمل نامشروع، اشاره می‌کنند.
(فرشاسعید و عیسی زاده، ۱۳۹۴، ۹)

دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده ترمیم صدمات وارده به این اصل استناد جست و اینگونه بیان نمود که «چون ادعا بر اساس نقض یک تعهد بین‌المللی از سوی یک دولت عضو که مسئول شناخته شده مطرح گردیده است... دولت عضو نمی‌تواند مدعی شود که تعهد مزبور تابع قوانین داخلی آن است». (پرونده ترمیم صدمات وارده به کارکنان سازمان ملل، ۱۹۴۹)

۳.۴ روش‌های جبران خسارت در طرح پیش‌نویس (۲۰۰۱)

پس از آنکه مسئولیت بین‌المللی دولت اثبات شد، بحث جبران خسارت پیش می‌آید. ماده ۳۴ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت اشعار ترمیم کامل صدمه ناشی از تخلف بین‌المللی، طبق مقررات این فصل، باید به شکل اعاده، جبران خسارت و ترضیه، «می‌دارد بنابراین در ارتباط با مسئولیت دولتها برای جبران خسارات سه روش پیش‌بینی گردیده است که «خواه منفردا یا تواما، صورت گیرد عبارتند از: اعاده وضع به حال سابق، پرداخت غرامت، جلب رضایت زیان دیده.

۴.۴ اعاده وضع به حال سابق

نخستین روش جبران خسارت در ماده ۳۵^۱ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت اعاده به وضع سابق است، این روش بر پرداخت غرامت اولویت دارد با این معنی که ابتدا دولت زیان‌زننده از طریق اعاده به وضعیت سابق خسارات وارده را جبران کند و اگر این میسر نشد یا کفایت نکرد، از روش‌های دیگری برای جبران استفاده نماید. جبران خسارت در این روش مطلق و نامحدود نبوده و تابع شرایط می‌باشد. از طرفی دولت مسئول، در صورتی مکلف به اعاده وضع به حال سابق است که این اعاده به لحاظ مادی غیر ممکن نبوده و یا به طور کلی نامناسب نباشد.

در پرونده کارخانه کورزوف، آنجا که دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام می‌دارد که دولت مسئول «مکلف به برقراری دوباره تعهد خویش است و در صورت متعذر بودن این امر،

مکلف به پرداخت ارزش آن در تاریخ جبران غرامت است، یعنی ارزشی که به عنوان جایگزین اعاده که غیر ممکن گردیده تعیین شده است»، اولویت اعاده را مورد تایید قرار می دهد. (پرونده کارخانه کورزوف، ۱۹۸۲): دیوان همچنین در ادامه می افزاید: امکان پذیر نبودن استرداد کارخانه کورزوف، که طرفین بر آن توافق دارند، اثری جز جایگزینی پرداخت ارزش تعهد اعاده نمیتواند داشته باشد.

۵.۴ پرداخت غرامت

پرداخت غرامت دومین و به عنوان رایج ترین روش جبران خسارات قلمداد شده است. محاکم بین المللی این روش را معمول ترین روش جبران می دانند در این خصوص ماده ۳۶ طرح مسئولیت بین المللی اشعار می دارد که:

دولت مسئول در نتیجه ارتکاب عمل نامشروع موظف است که با پرداخت غرامت خساراتی را که به وسیله اعاده وضع سابق قابل جبران نمی باشند، جبران نماید. غرامت باید کلیه خسارات قابل ارزیابی مالی، از جمله عدم النفع را شامل شود.

در عمل هدف از پرداخت غرامت، بیشتر جبران مادی خسارات وارد شده می باشد. برای پرداخت غرامت، حتما باید ضرری به دولت صدمه دیده وارد شده باشد و صرف نقض حقوق بدون ورود خسارت، از طریق پرداخت غرامت جبران نخواهد شد که ویژگی اصلی آن ترمیمی بودن آن است. پرداخت غرامت با استفاده از پول صورت می گیرد. اما پرداخت پول در این روش به کار نمی رود، بلکه در جلب رضایت هم ممکن است برای تامین رضایت طرف مقابل پولی پرداخت شود. در پرونده تنگه کورفو، انگلستان سه فقره جبران خسارت مطالبه نمود: جایگزینی ناو شکن سائو ماروز، که به کلی منهدم شده بود، صدمه وارده به ناوشکن ولاژ، و خسارات ناشی از فوت و مجروح شدن افراد نیروی دریایی.

۶.۴ پیدایش اصل پرداخت توسط آلوده ساز

بر اساس این اصل، هزینه رفع آلودگی محیط زیست باید از سوی آلوده کننده آن پرداخت شود. این اصل از یک سو حق دیگران در برخورداری از محیط زیست سالم را به رسمیت می شناسد و از سوی دیگر نوعی اقدام پیشگیرانه برای جلوگیری از تخریب محیط زیست به شمار می رود.

این اصل خاستگاهی قدیمی دارد. نخستین اسناد حقوقی بین‌المللی که به بیان آن پرداخته‌اند؛ توصیه‌های شورای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مورخ ۲۶ مه ۱۹۷۲ و ۱۴ نوامبر ۱۹۷۴ هستند که نخست به صورت کلی به «اصول راهنمای مربوط به وجوه اقتصادی سیاست‌های محیط‌زیست در زمینه بین‌المللی» می‌پردازند و سپس به طور دقیق‌تر «درباره اجرای اصل پرداخت توسط آلوده ساز» سخن می‌گویند. این سازمان چند بار در طول سالیان به این اصل پرداخته و دامنه آن را گسترده ساخته است. (حبیبی، ۱۳۸۱، ۳۴۳)

از جانب دیگر جامعه‌ی اقتصادی اروپا تقریباً در همان ایام نخستین توصیه‌های خود را درباره این مسأله تصویب کرده است (۷ نوامبر ۱۹۷۴ و ۳ مارس ۱۹۷۵)، و رابطه مستقیمی را در میان تساوی در رقابت و اصل پرداخت توسط آلوده ساز برقرار می‌کنند.

سند واحد اروپا و سپس معاهده ماستریخت این اصل را به یکی از بنیادهای سیاست جامعه‌ای خود در قلمرو محیط‌زیست بدل کرده‌اند (ماده ۱۷۴) و شمار بسیاری از مقررات و دستورالعمل‌ها به اعمال آن می‌پردازند. (پورهاشمی و موسوی، ۱۳۹۰، ۸۷)

در آغاز این اصل با اندیشه پیشگیری ایجاد شده بود و مقصود آن بود که عاملان اصلی متحمل «هزینه اقدامات پیشگیری و مبارزه با آلودگی» بشوند. اصل ۱۶ ريو یادآور این مطلب است این اصل با تأکید بر منافع عمومی و همچنین اشاره به این که اصولاً آلوده‌کننده محیط‌زیست باید هزینه‌های رفع آن را بپردازد، از دولت‌ها می‌خواهد تا اصل مذکور را مورد توجه قرار دهند.

در فصل ۲۰ دستور کار ۲۱ نیز از دولتها خواسته شده است تا در سیاست‌های داخلی خود، به ویژه در ارتباط با زباله‌های خطرناک به این مسئله نیز توجه داشته باشند.

این اصل از زمان طرح مسئولیت مدنی افراد در معاهدات بین‌المللی در خصوص حوادث هسته‌ای و نفتی که بر اساس آن افراد در برابر فعالیت‌هایی که منجر به تخریب محیط‌زیست می‌گردد، دارای مسئولیت مدنی می‌باشند، وارد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست گردید، هر چند قبل از آن نیز این موضوع در احکام دیوان‌های بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته بود. (میرعباسی و نظری، ۱۳۸۴، ۱۲۱)

در عین حال میتوان گفت که این اصل در تقاطع مسیر پیشگیری و جبران قرار دارد، این مطلب تقریباً با این ایده متناظر است که «پیشگیری» بالنسبه در حقوق بین‌الملل محیط زیست،

معنای موسعی را در بر میگیرد که هم زمان مقدم بر عمل و مؤخر بر عمل است و از مفهوم مسئولیت جدانشدنی است.

اما نکته قابل بیان در اینجا این است که این اصل به جبران خسارات وارده به واسطه آلودگی تصادفی نمیدازد. کما اینکه دیوان داوری اسملتر، کانادا را به علت آلوده کردن محیطزیست آمریکا مسئول شناخت، باید توجه داشت که در مورد اخیر، مسئولیت کانادا یک مسئولیت ناشی از خطر تشخیص داده شد نه تصادفی و ناشی از قصور. علاوه بر این در اجرای این اصل شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان به مرجع صالح بین المللی در زمینه ی حفظ صلح و امنیت در جهان، عراق را به خاطر تخریب محیطزیست در جریان حمله به کویت مسئول دانست و آن کشور را موظف نمود تا غرامت خسارات وارده به محیطزیست منطقه را بپردازد (پورهاشمی و موسوی، ۱۳۹۰، ۸۸).

۷.۴ جلب رضایت

سومین روش جبران خسارت جلب رضایت زیان دیده می باشد. در ماده ۳۷ طرح مسئولیت بین المللی دولت آمده است:

- ۱- دولت مسئول تخلف بین المللی ملزم است بابت صدمه وارده ناشی از آن اقدام، تا حدودی که ترمیم از طریق اعاده یا جبران خسارت امکان پذیر نیست، ترضیه بدهد.
- ۲- ترضیه می تواند به شکل پذیرش نقض تعهد، ابراز تاسف، عذرخواهی رسمی یا به نحو مناسب دیگری صورت بگیرد.
- ۳- ترضیه نباید با صدمه وارده نامتناسب بوده و نسبت به دولت مسئول شکل تحقیر کننده ای پیدا کند.

همچنین جلب رضایت در طرح مسئولیت، یک استثنا محسوب می شود، زیرا این روش فقط در صورتی به کار برده می شود که دو روش دیگر مورد استفاده قرار نگیرد. جبران خسارت از این روش می بایست به نسبت خسارات وارده به صورت مناسب صورت گیرد تا موجبات تحقیر دولت مسئول فراهم نگردد. این اصول و قواعد مزبور اصولاً در زیانهای ناشی از نقض قواعد مربوط به فعالیت های منع شده نیز بکار می روند. (فرشاسعید و عیسی زاده، ۱۲)

۸.۴ عوامل خارج از اراده

عوامل خارج از اراده، عواملی می‌باشند که در صورت تحقق آن مسئولیت بین‌المللی دولت از بین می‌رود که شامل قوه قاهره، اضطراب و ضرورت است.

۱.۸.۴ قوه قاهره یا فورس مازور

قوه قاهره وضعیتی است که بر اساس آن ارکان یک دولت به طور غیرارادی در حالتی قرار می‌گیرند که تعهدات بین‌المللی خود را نمی‌توانند انجام دهند و رفتاری مغایر با تعهدات خود را انجام می‌دهند پس تحقق فورس مازور به غیر از غیرارادی بودن رفتار دو شرط اساسی دیگر نیز لازم است (۱) عدم امکان مقاومت در برابر حادثه غیرمترقبه، یعنی در صورتی که امکان پیش‌بینی حادثه برای دولت وجود داشته باشد دیگر حادثه غیرمترقبه نخواهد بود. (۲) دولت متعهد نباید خود وضعیتی را فراهم کند که انجام تعهد را برای این دولت غیرممکن گرداند. باید توجه داشت از قوه قاهره به عنوان یک عامل رافع مسئولیت در برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه محافظت محیط زیست دریایی بهره گرفته شده است. «به عنوان مثال در قسمت الف، بند ۲ ماده چنین آمده است: «هیچ گونه مسئولیتی متوجه مالک نخواهد بود، چنانچه ثابت نماید خسارت ناشی از جنگ، عملیات خصمانه، جنگ داخلی، شورش یا پدیده طبیعی با ماهیتی استثنایی، اجتناب ناپذیر و غیرقابل مقاومت است» (کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت و جبران خسارت در ارتباط با حمل مواد خطرناک و سمی از طریق دریا، ۱۹۹۶، ۸)

باید گفت که عدم امکان اجرای تعهد اعم از این که فعل یا ترک فعل باشد به محض برطرف شدن حادثه غیرمترقبه، نقض تعهد بوده و از نظر بین‌المللی عملی نادرست می‌باشد (مستقیمی و طارم سری، ۱۳۷۷، ۱۸).

۲.۸.۴ اضطراب

هرگاه فاعل عمل خلاف بین‌المللی که رفتارش عمل کشور تلقی می‌گردد در یک وضعیت اضطرابی شدید، برای نجات زندگی خود یا زندگی اشخاص تحت مراقبت خود، این کار را انجام داده باشد، کشور مربوطه از مسئولیت مبرا است. تفاوتی که قوه قاهره با اضطراب دارد آن است که در قوه قاهره برای رکنی که از جانب دولت عمل می‌کند، واقعاً غیرممکن است که

تعهد دولت را اجرا کند و درواقع رکن یا فرد مزبور هیچ راهی جز عدم انجام تعهد بین المللی را نخواهد داشت و عمل فرد یا آن رکن واقعاً غیرارادی است، اما در وضعیت اضطرار امکان انتخاب وجود دارد و رفتار انجام شده کاملاً غیرارادی نمی باشد، اما به هر حال این انتخاب آزادانه و واقعی نیست زیرا این فرد می داند در صورتی که به تعهد بین المللی دولت عمل نماید جان خود و افراد تحت مراقبتش را به خطر می اندازد پس برای گریز از این وضعیت چاره ای جزء انجام عمل خلاف تعهد بین المللی دولت خود ندارد. (جیمز کرافورد، ۱۶۸، ۱۹۸۸-۱۷۴) البته باید گفت که در صورت وقوع شرایط اضطراری و نقض یک تعهد بین المللی مسئله جبران خسارت متفی نخواهد شد و باید انجام پذیرد.

۳.۸.۴ ضرورت

ضرورت که بر خطر جدی و قریب الوقوع برای منابع اساسی کشورها استوار است، حالتی است که موجودیت خود دولت، بقای سیاسی یا اقتصادی آن، تأمین شرایط لازم برای به انجام رساندن وظایف اصلی دولت، حفظ امنیت داخلی، بقایای بخشی از طبیعت، حراست: از محیط زیست همه یا بخشی از سرزمین و مانند آن به خطر میافتد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۱، ۴۲۶)

فرقی که حالت ضرورت با حالت اضطرار دارد آن است که حالت ضرورت برخلاف اضطرار برای کشورها به وجود می آید نه برای اشخاص. ماده ۲۵ طرح پیش نویس مسئولیت بین المللی دولت ها حالت ضرورت را چنین بیان نموده است بند ۱- ضرورت نمی تواند در (مقابل) عمل نادرست یک دولت، که مطابق با تعهدات بین المللی او نیست، مورد استفاده قرار بگیرد مگر اینکه این عمل: «الف -تنها راه آن دولت برای حفاظت از منافع اساسی اش در مقابل خطری قریب الوقوع باشد. ب -آسیب جدی به منافع اساسی یک دولت، دولت ها یا تمامی جامعه بین المللی که تعهد در قبال آن ها وجود دارد، وارد نشود. بند ۲- ضرورت ممکن است به وسیله دولتی که امکان استناد به آن را دارد، مورد استفاده قرار نگیرد، اگر:

الف -تعهد بین المللی در این زمینه وجود داشته باشد که امکان استناد به ضرورت در آن مستثنی شده باشد.

ب -آن دولت خود وضعیت ضرورت را انجام نموده باشد

۵. پیامدهای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خسارات وارده به محیط زیست

مسئولیت هر چیز از ابتدا مبتنی بر عمل متخلفانه بین‌المللی یعنی نقض قاعده بین‌المللی بوده اما گرایش نوین فکری و عمل در جامعه معاصر مبتنی بر مسئولیت در برخی زمینه‌ها حتی بدون وجود شرط تخلف از قاعده است. اصل این است که خسارات ناشی از نقض حقوق باید توسط شخصی متخلف جبران شود و التزام حقوقی شخص مذکور در این راستا، همان مسئولیت است. (ساعد، ۱۳۸۹، ۲۰۱) بنابراین در حوزه حفاظت از محیط زیست در صورت نقض قواعد و اصول بین‌المللی و آلوده کردن محیط زیست دولت دیگر، دولت‌ها ملزم به جبران خسارات زیست محیطی بر اساس قواعد عام مسئولیت بین‌المللی به عنوان اصل مبنایی در جهت حمایت و حفاظت از محیط زیست هستند. آن گونه که اصل ۲۲ و ۱۳ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ و ریمو ۱۹۹۲ دولت‌ها را به «همکاری برای توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل در ارتباط با مسئولیت و جبران خسارات برای قربانیان آلودگی و دیگر صدمات زیست محیطی را فرا می‌خواند

۶. تحولات ایجاد شده در مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی

قطعاً نمی‌توان فرایند تغییر و تحول در حوزه مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی را طی چند سطر بیان نمود، لیکن سعی می‌گردد نکات عمده و محورهای اصلی این فرایند به طور مختصر در زیر ذکر گردیده و در حد اجمال به توضیح و تشریح آنها پرداخته شود:

۱.۶ گسترش مبنای مسئولیت بین‌المللی

همانطور که قبلاً گفته شد در حقوق بین‌الملل سنتی عمدتاً مسئولیت بین‌المللی مبتنی بر خطا بود. حقوق محیط زیست هم که در ابتدا عمدتاً از همان اصول و قواعد حقوق بین‌الملل سنتی تبعیت می‌نمود، مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی را فقط بر اساس نظریه خطا پذیرفته بود. لیکن به تدریج عدم کفایت و پاسخ‌گویی این نظریه در عرصه مسایل محیط زیستی کاملاً آشکار گردید. چرا که بسیاری از زیانهای محیط

زیستی از قبال اعمالی ایجاد می‌گردند که اصولاً اعمال ممنوعه و متخلفانه‌ای نبوده و کشورها در انجام آنها با هیچگونه ممنوعیت از پیش تعیین شده‌ای روبرو نیستند و اگر تعیین مسئولیت فقط بر اساس انجام اعمالی که بنوعی توأم با نقض حقوق بین‌الملل می‌باشد امکان پذیر باشد، اینگونه خسارات محیط زیستی باید بدون پاسخ و جبران خسارت باقی بماند. لذا دامنه مسئولیت بین‌المللی در حوزه حقوق محیط زیست گسترش یافته و علاوه بر اعمال ممنوعه اعمال غیر ممنوعه‌ای را هم که موجب ورود خسارت به محیط زیست می‌گردند را شامل گردیده است.

کمیسیون حقوق بین‌الملل این موضوع را از سال ۱۹۷۸ در دستور کار خود قرار داده و بیشتر فعالیت خود در مورد چنین مسئولیتی را بر حوزه زیان وارده به محیط زیست متمرکز ساخته است. در سال ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در پنجاه و سومین نشست خود پیش نویس مواد راجع به جلوگیری از خسارت فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک را تصویب نمود. این فعالیت‌ها که مواد اخیر در مورد آنها اعمال می‌شود آنهایی هستند که توسط حقوق بین‌الملل منع نشده‌اند، اما امکان بروز خسارت محسوس فرامرزی در آنها نهفته است. (والاس، ۱۳۸۲، ۲۵۳)

اصل بیست و یکم اعلامیه استکهلم نیز صراحتاً مسئولیت مبنی بر خطر را پذیرفته است. یکی از زمینه‌های که در آن از نظریه مسئولیت مبتنی بر خطر استفاده شده است، مبحث آلودگی‌های مرز گذر می‌باشد. در همه کنوانسیونهای جهانی و منطقه‌ای مربوط به آلودگی‌های مرز گذر مبنای اصلی مسئولیت بر این نظریه گذاشته شده است. البته لازم به یادآوری است که این تحول از نظر برخی از تحلیل‌گران چندان مثبت نبوده و می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی به دنبال داشته باشد. این حق قطعی برای جبران خسارت که برای قربانیان آلودگی بسیار جالب و جذاب است، ولی بسیاری از کشورهای صنعتی را نسبت به این ساختار بی‌اعتماد می‌سازد. مضافاً اینکه یک چنین حقی موقعیت خاص جغرافیایی موجود در بعضی کشورها را نادیده می‌انگارد به عنوان مثال در مورد آلودگی‌های یک جانبه یک رودخانه بین‌المللی کشوری که در بالادست رودخانه قرار دارد مجبور خواهد بود که به طور مداوم برای منفعت انحصاری کشوری که در قسمت پایین رودخانه قرار دارد خسارت بپردازد. (موسوی، ۱۳۸۰، ۷۹) بدین ترتیب توسعه دامنه مسئولیت در اینگونه موارد بعضاً

منافع ملی کشورها را به خطر انداخته و موجب بروز اختلاف و حتی بعضاً درگیری میان آنها می‌گردد.

۲.۶ نهادینه کردن مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی

شاید بتوان گفت تا چندین سال پیش مهمترین منبع حقوق بین‌الملل محیط زیست قواعد عرفی بود، اما چند سالی است که جامعه بین‌المللی با اهداف گوناگونی از آن جمله کارآمد تر کردن قواعد حمایتی محیط زیستی از آن جمله مسئولیت ناشی از خسارات زیست محیطی و به دنبال آن جبران خسارات وارده در تدوین قواعد و مقررات این شاخه از حقوق تلاش می‌نماید. شاید بتوان گفت مهمترین قالبی که در این فرایند از آن استفاده شده ، قالب موافقتنامه - پروتکل می‌باشد. لذا ما امروزه شاهد شمار زیادی معاهدات و پروتکل‌های زیست محیطی هستیم.

البته در این که آیا این تلاش جامعه بین‌المللی برای نهادینه کردن مقررات و قواعد زیست محیطی تا چه حد توأم با موفقیت بوده و اینکه آیا در نهایت موجبات حمایت بیشتر از محیط زیست و الزام هر چه بیشتر کشورها به رعایت تعهداتشان نسبت به محیط زیست را فراهم کرده است یا نه میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوقدانان معتقدند که علاوه بر مشکلاتی که اصولاً بر سر راه ایجاد و انعقاد یک توافقنامه بین‌المللی وجود دارد، به دلیل ویژگی‌های خاص موضوعات محیط زیستی شکل‌گیری یک توافقنامه محیط زیستی با موانع و مشکلات بیشتری روبرو است. بعنوان مثال «بخشی از سیاست محیط زیستی به منظور حفظ و نگهداری محیط زیست برای نسل‌های آینده طرح ریزی می‌گردد.» (موسوی، ۱۳۸۰، ۱۴۳) و انعقاد معاهداتی که این مسئله مهم و اساسی را بتواند به طور مطلوب در نظر گرفته و تامین کند کار بسیار مشکل و مستلزم زمان بیشتری است. همین طور در اکثر موارد بدلیل همراه بودن موضوعات محیط زیستی با ویژگی‌های سیاسی، علمی و فنی انعقاد معاهده در خصوص آنها بسیار دشوار بوده و بعضاً چندین سال طول می‌کشد.

مانع دیگر در مسیر تدوین قواعد محیط زیستی به‌ویژه مسایل مسئولیت بین‌المللی، عدم تمایل دولت‌ها به محدودشدن حاکمیت‌شان و اعراض آنها از تن‌دادن به یک رژیم مسئولیتی ازپیش تعیین‌شده و اجباری است. (Hao, 1994, 3) به همین دلیل در اکثر موارد قواعد مربوط

به مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات محیط زیستی در قالب پروتکل‌های اختیاری تدوین گردیده است. بعنوان مثال می‌توان از پروتکل اختیاری کنوانسیون بازل که در سال ۱۹۹۹ تدوین گردید نام برد.

یکی دیگر از مشکلات در این زمینه مشکلات اقتصادی و معضلات مربوط به «مجانای سوارانی است که اگر چه در اکثر معاملات چند جانبه ممکن است وجود داشته باشد، اما در معاملات محیط زیستی معمولاً بیشتر وجود داشته و از موانع جدی در مسیر شکل‌گیری و اجرای اینگونه معاهدات هستند» (Hao, 1994, 4). از جمله موانع دیگر مسئله اجرای اینگونه معاهدات می‌باشد، که با توجه به اینکه معاهدات زیست محیطی اغلب نه تنها هیچگونه امتیازاتی به اعضا نمی‌دهند بلکه هزینه‌های را نیز به اعضا تحمیل می‌نمایند، تمایل کشورها به عضویت در آنها و نیز بعداً همکاری آنها برای اجرای معاهده بسیار کمتر از سایر معاهدات می‌باشد. (Hao, 1994, 3) علیرغم تمام نقاط ضعف مذکور باید فرایند تدوین و نهادینه کردن قواعد و مقررات محیط زیستی را یک تحول مثبت در عرصه محیط زیست بویژه مبحث مسئولیت بین‌المللی تلقی نمود.

۳.۶ توسعه دامنه مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات محیط زیستی به بخش

خصوصی

به موجب حقوق بین‌الملل سنتی عمدتاً مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی بر عهده کشورها قرار می‌گرفت. لیکن از آنجایی که برخی از خسارات محیط زیستی ناشی از فعالیت بخش خصوصی می‌باشد. محدود کردن مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات محیط زیستی به دولت‌ها موجب عدم پاسخ‌گویی به موارد زیادی از خسارات زیست محیطی می‌گردد. لذا یکی از تحولات بسیار مثبتی که در عرصه مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی می‌توان از آن نام برد توسعه دامنه این نوع مسئولیت به بخش خصوصی می‌باشد.

رویه قضائی بین‌المللی نیز در آرای زیادی بر این امر صحه گذاشته است. در داوری «تریل اسملتر» دادگاه در رای نهایی خود این اصل مهم حقوق بین‌الملل را به رسمیت شناخت که بر اساس آن هر دولت موظف است از سایر دولت‌ها در مقابل اعمال زیان آور

افرادی که در چارچوب قلمرو تحت صلاحیت آن اتفاق می‌افتد حفاظت نمایند. (والاس ۱۳۸۲، ۲۶۴)

اگر دولتی احتیاط‌های لازم را انجام داده ولی اشخاص خصوصی واقع در محدوده قلمرو قضایی یا نظارتش خسارتی عمده و اساسی بر محیط زیست کشور دیگری وارد آورند، دولت منشأ ضرر بایستی تمام گام‌های لازم را جهت تنبیه و مجازات خلافکاران انجام دهد، در غیر این صورت ممکن است خود آن دولت مقصر شناخته شود. البته نباید فراموش شود که چون تضمین و تحقق مسئولیت بخش خصوصی اصولاً بر عهده سیستم های حقوقی ملی قرار دارد و سیستم های حقوقی ملی بنا به علل مختلف از اجرای رژیم مسئولیت نسبت به آنها سرباز زده و خوداری می‌نمایند، لذا عملاً مسئولیت بخش خصوصی چندان واقعی نیست و معمولاً مقررات کنوانسیونها در این خصوص با موانع زیادی روبرو می‌باشد. بعنوان نمونه با وجود آنکه کنوانسیون بازل مقررات نسبتاً جامعی در مورد مسئولیت افراد پیش‌بینی نموده است لیکن مشکلات و چالش‌های فراوانی بر سر راه عملی شدن مقررات کنوانسیون در این مورد وجود دارد از جمله مهمترین این مشکلات می‌توان از موارد زیر نام برد:

اولاً پذیرش مسئولیت برای بخش خصوصی در ارتباط با حمل و نقل پسماندهای آلوده کننده مستلزم درگیر نمودن سیستم‌های حقوقی ملی در جهت تضمین انجام تعهدات ناشی از کنوانسیون برای بخش خصوصی است. بر اساس بند چهار از ماده چهار کنوانسیون کشورهای عضو مکلف گردیده‌اند، کلیه اقدامات قانونی لازم را در جهت جلوگیری از نقض مقررات کنوانسیون به وسیله بخش خصوصی انجام دهند. از آن جمله مجازات‌هایی را برای ناقضان در قوانین ملی خود در نظر گیرند. (The Basel Convention-Article four, 1989)

در حالی که بعضاً مشاهده می‌شود کشورها بنا به علل گوناگون همچون مسائل اقتصادی و اجتماعی از انجام این تعهد خودداری می‌نمایند و حتی در مواردی هم که از نظر تئوری قوانین لازم وضع گردیده از اجرای آن در عمل خودداری می‌نمایند. (Brikell, 1992, 3)

ثانیاً طرح دعوی نزد محاکم ملی با مشکلاتی همچون هزینه بالا، عدم طی سریع، کامل و بی طرفانه فرآیند دادرسی و به ویژه مشکلات مربوط به اجرای رأی روبرو است که در اکثر موارد باعث بی ثمر بودن طرح دعوی نزد اینگونه مراجع می‌گردد. لذا در واقع تجارت کنندگان فضولات آلوده کننده با یک ممنوعیت بدون ضمانت اجرا روبرو هستند و همین

امر باعث گردید تا آنها همچنان به تجارتشان به گونه معمول فقط با اندکی پنهان کاری ادامه دهند، و در واقع مقررات کنوانسیون در مورد آنها فاقد قدرت اجرایی است.

۴.۶ تلاش برای پذیرش مسئولیت کیفری بین‌المللی برای خسارات زیست

محیطی

اصولاً مسئولیت بین‌المللی دو نوع می‌باشد مسئولیت بین‌المللی حقوقی و مسئولیت بین‌المللی کیفری، مسئولیت حقوقی یا مدنی در واقع پاسخی است به نقض تعهداتی که فقط موجب ورود لطمه و خسارت به کشور متعهدله می‌گردد و یا به عبارتی از یک درجه اهمیت معمولی برخوردار می‌باشد. در حالی که مسئولیت کیفری پاسخی است به نقض تعهداتی که از درجه اعتبار و اهمیت بالاتری برخوردار بوده و نقض آنها غیر قابل اغماض و جنبه جنایی دارد.

«تا پیش از میانه سده بیستم میان انواع نقض تعهد از لحاظ نوع و شدت تفاوتی قائل نمی‌شدند. در واقع به هر نوع نقض تعهد یکسان نگریسته می‌شد.» (مستقیمی، طارم سری، ۱۳۷۷، ۱۲)

از این زمان به بعد جامعه بین‌المللی میان انواع نقض تعهدات قایل به تمایز گردید و برخی از این نقض‌ها را موجب ایجاد مسئولیت کیفری برای ناقضان دانست. یکی از مهمترین این حوزه‌ها بحث توسل به زور و نقض صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. به تدریج بر دامنه مسئولیت کیفری بین‌المللی افزوده شد. یکی از موارد مهم این گسترش تخلفات و نقض‌های، مربوط به محیط زیست می‌باشد. در برخی از اسناد بین‌المللی به مسئولیت بین‌المللی کیفری اشاره شده و عدم رعایت مقررات محیط زیستی موجب ایجاد مسئولیت کیفری برای ناقضان شناخته شده است.

اما اصولاً "کنوانسیونهای محیط زیستی در بر گیرنده مقررات کیفری خیلی کم و محدودی هستند از میان کنواسیونهای مختلف که در برگیرنده مقررات کیفری هستند می‌توان از کنواسیون بازل نام برد." (Soyland; and Prabhu, 1998, 1) در سال ۱۹۸۳ نیز شورای امنیت طی قطعنامه شماره ۵۴۰ خود، آلوده شدن آب‌های خلیج فارس بر اثر حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌ها در آب‌های این منطقه را عامل تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی

دانسته و آنرا هم ردیف جرم تهدید و نقض صلح و امنیت بین‌المللی که موجب مسئولیت بین‌المللی کیفری است تلقی نمود.

در دعوی آزمایشات هسته‌ای که توسط استرالیا علیه فرانسه اقامه شد نیز، استرالیا برای توجیه مسئله به حقوق بین‌الملل مربوط به تجاوز که جنبه کیفری دارد، استناد کرد. استرالیا ریزش مواد رادیواکتیو به سرزمین خود را نقض حاکمیت ارضی استرالیا تلقی نمود. (برانلی، ۱۳۸۳، ۲۳۵)

۵.۶ توسعه اقدامات پیشگیرانه به جای اقدامات جبرانی

یکی از تحولات مثبتی که در عرصه مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی در سالهای اخیر واقع گردیده است، توجه جامعه بین‌المللی به اقدامات پیشگیرانه است.

این امر با نگرش سنتی که بر اساس آن مسئولیت به دولتی منتسب می‌شود که باعث زیان شده باشد مغایر می‌باشد. در سالهای اخیر وضع مقررات راجع به محیط زیست بین‌المللی به صورتی چشمگیر افزایش یافته و رویکرد بازدارنده جدیدی در بسیاری از ترتیبات در سطح بین‌المللی و منطقه ای منعکس شده است. (والاس، ۱۳۸۲، ۲۴۲)

و کنوانسیونهای زیادی با این نوع نگرش تدوین گردیده‌اند.

متفکران جدید حقوق بین‌الملل را عقیده بر این است که اعمال نظریه مسئولیت دولت پس از وقوع خسارت در بدو امر موجب گسترش و رشد منازعات، تضعیف همکاری و عدم امکان جلوگیری از انجام زیان می‌گردد. متخصصان حقوق بین‌الملل چنین استدلال می‌کنند که انجام اقدامات (تعهدات) شکلی و اجرایی از پیش، دولت‌ها را قادر می‌سازد تا از طریق یک نظام همکاری متقابل «اجتناب از منازعه» با مسأله آلودگی مرزگذر برخورد نمایند. (موسوی، ۱۳۸۰، ۴۴) در راستای امکان پذیر گردیدن انجام اقدامات پیشگیرانه، یکی از مسئولیتهای مهم دولت‌ها مسئولیت آنها به اطلاع رسانی دقیق و کامل می‌باشد. اصل بیستم اعلامیه‌ای استکهلم در این رابطه می‌گوید: در این رابطه باید جریان آزادانه تازه ترین اطلاعات و انتقال تجربیات، به منظور حل مسائل محیط زیست، تشویق و تسهیل گردد. فنون مربوط به محیط زیست را باید با شرایطی که انتشار وسیع آنها را بدون تحمیل بار اقتصادی بر کشورهای در حال توسعه تشویق کند، در اختیار این کشورها قرار داد.

۶.۶ تلاش در جهت گسترش ضمانت اجراها و توسعه آن به سیستم‌های حقوقی ملی

یکی دیگر از تحولات مثبت در عرصه مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی گسترش دامنه ضمانت اجراهای مربوط به تخلفات زیست محیطی است. در این راستا دو مسئله مهم باید یادآوری و مورد بحث و بررسی قرار گیرد. اولاً رژیم‌های مسئولیتی و شیوه‌های جبران خسارات بنا به علل مختلف از جمله ملاحظات مربوط به حاکمیت عمدتاً در قالب پروتکل‌های اختیاری تنظیم می‌گردد، که مسلماً این امر از سویی بسیار مطلوب است، اما از سویی دیگر مشکل بسیار جدی و اساسی بر سر راه حمایت از محیط زیست و تضمین آن بوجود می‌آورد. مطلوبیت این شیوه عمدتاً از این جهت می‌باشد که کشورها بدلیل اختیاری بودن اینگونه پروتکلها، بدون داشتن هیچگونه اجبار و الزامی و با میل خود به عضویت آنها در می‌آیند، در نتیجه با میل و رغبت بیشتری هم تن به اجرای تعهدات و تکالیف ناشی از آنها می‌دهند. اما اختیاری بودن رژیم‌های مسئولیت، این پیامد منفی را بدنبال خواهد داشت که کشورها در مواردی تن به آنها می‌دهند که پای منافع شان در بین نباشد و لذا حمایت از محیط زیست و مسئولیت ناشی از نقض این تعهد نسبت به منافع کشورها امری فرعی و تبعی خواهد گردید.

ثانیاً از آنجایی که یک سیستم کارآمد و موثر برای اجرای مسئولیت بین‌المللی و جبران خسارات در نظام بین‌المللی وجود ندارد و از سوی دیگر امروزه مسئولیت بخش خصوصی نیز قسمت عمده‌ای از رژیم مسئولیت ناشی از خسارات زیست محیطی را تشکیل می‌دهد، عملاً سیستم‌های حقوقی ملی نیز در جهت اجرای مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات محیط زیستی در گиро دخیل می‌باشند.

البته لازم به یادآوری است که اجرای مسئولیت از طریق سیستم‌های ملی توأم با مشکلات و موانع زیادی است و در بسیاری از موارد عملاً مسئولیت و بحث جبران خسارت عقیم و بی نتیجه می‌ماند. از سوی دیگر نمی‌توان مسئله اجرای مسئولیت بین‌المللی و تضمین آنرا به نظام بین‌الملل محدود نمود، چرا که مهمترین مکانیسم در این مورد توسل به دیوان دادگستری لاهه می‌باشد که امکان مراجعه به آن فقط برای کشورها وجود دارد و سازمانها و افراد که از بازیگران مهم عرصه‌های محیط زیستی هستند، امکان توسل به این مرجع را ندارند.

ثالثاً رژیم مسئولیت پیش‌بینی شده در پروتکل الحاقی شامل بخش خصوصی درگیر در بحث فضولات آلوده‌کننده نیز می‌گردد که این ویژگی درعین حال که از نقاط مثبت این پروتکل می‌باشد، اما قبلاً بحث گردید که در جهت اجرا و تحقق عملی آن موانع و مشکلات فراوانی وجود دارد.

رابعاً رژیم مسئولیت پیش‌بینی شده در پروتکل الحاقی در جهت تحقق مسئولیت پیش‌بینی شده سیستم‌های حقوقی ملی را نیز به نوعی درگیر نموده و در قسمت‌های زیادی اجرای رژیم مسئولیت را بر عهده این مراجع ملی قرار داده‌است که در این خصوص هم قبلاً بحث گردید که موانع و معضلات جدی وجود دارد.

مسئله دیگری که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که یکی از علل عدم موفقیت کامل کنوانسیون بازل که در آینده نیز مانع جدی در راه تحقق کامل مقررات این کنوانسیون خواهد بود و در مورد سایر کنوانسیونهای محیط زیستی هم صحت دارد، فقدان یک ساختار متمرکز فراملی است که مسئول اجرای مقررات کنوانسیون باشد و اجرای مقررات آن را تضمین نماید. اگر چه برخی از حقوقدانان معتقدند وجود یک ساختار متمرکز خارجی نه تنها موجب اجرای بهتر مقررات کنوانسیونهای محیط زیستی نمی‌شود، بلکه ممکن است کشورها را هرچه بیشتر نسبت به انجام تعهداتشان در قبال این کنوانسیونها بی‌میل نماید. چرا که کشورها اصولاً علاقمند به حفظ حاکمیت خود بوده و از تن دادن به هر گونه تعهدی که موجب سلب یا محدود گردیدن حاکمیت آنها گردیده و یا رفتار و عملکرد آنها را تحت کنترل و نظارت درآورد امتناع می‌ورزند و به همین علت تشویق و ترغیب کشورها به رعایت تعهداتشان بهتر از اجبار آنهاست.

اما بدون تردید باید پذیرفت که حداقل در خصوص بخش خصوصی عدم وجود یک ساختار متمرکز و فراملی عاملی مهم و مؤثری در فرار آنها از انجام تعهداتشان بوده و در آینده نیز موجب افزایش حمل و نقل و تجارت غیر قانونی فضولات آلوده‌کننده گردیده تا جایی که شاید چندان دور از واقع نباشد، اگر گفته شود «تلاش‌های جامعه بین‌المللی فقط منجر به ایجاد یک سیستم ممنوعیت حمل و نقل و تجارت فضولات آلوده‌کننده گردیده بدون هیچگونه کنترل مؤثر بر روی آن.» (Brikell, 1992, 17)

البته کنوانسیون یک دبیرخانه ایجاد کرده است لیکن اشکال در این است که این دبیرخانه فاقد قدرت اجرایی است. دبیرخانه فقط یک رکن اطلاعاتی است. لذا در حالی که

دبیرخانه ممکن است از تخلفات مربوط به نقل و انتقال غیر قانونی پسماندهای خطرناک آگاه گردد، اما هیچگونه اقدامی جز تهیه گزارش از آن نمی‌تواند انجام دهد.

۷. نتیجه‌گیری

اصولاً در هر حوزه‌ای از موضوعات گوناگون وضع قواعد و مقررات زمانی مفید به فایده می‌باشد که توأم با ضمانت اجرا باشد. به عبارت دیگر در کنار وضع و تصویب قواعد و مقررات جامع و مانع باید یک رژیم مسئولیت توأم با ضمانت اجرای مفید و مؤثر نیز تعبیه و پیش‌بینی گردد. تجربه به خوبی نشان می‌دهد در حوزه‌های که به این امر توجه نشده است مقررات پیش‌بینی شده نتوانسته است اهداف مقنن را بطور کامل محقق سازد. در حوزه موضوعات محیط زیستی این امر از اهمیت بیشتری برخوردار است. در اینگونه موضوعات احتمال نقض مقررات از سوی افراد اعم از حقیقی و حقوقی بسیار بیشتر است. بویژه در روابط بین‌المللی با توجه به انگیزه‌های نفع‌طلبی و دستاویز نمودن تأمین منافع ملی و از سوی دیگر فقدان یک مرجع مقتدر مافوق با صلاحیت آمرانه این خطر بیشتر وجود دارد. حقوقدانان تاکنون در جهت ایجاد یک رژیم مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی تلاش فراوانی نموده‌اند.

رژیم مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی در گذر زمان و با طی فراز و نشیب‌های زیاد دچار تحولات نسبتاً مثبتی گردیده است. لیکن این تحولات بسیار کند و دراز مدت اتفاق افتاده است، به گونه‌ای که شاید چندان دور از واقعیت نباشد اگر گفته شود فرایند تغییر و تحول در این حوزه بسیار کندتر از سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل بوده است. علل این امر را باید در موضوعات مختلف جستجو نمود. از آن جمله، مسئله حاکمیت کشورها و عدم تمایل آنها به از دست دادن آن، غیر معاوضه‌ای بودن تعهدات زیست محیطی، اختیاری بودن رژیم مسئولیت ناشی از خسارات زیست محیطی، فقدان ضمانت اجرای مؤثر هم در سطح بین‌المللی و هم در سیستم‌های حقوقی ملی، ولی با وجود همه موانع مذکور باید پذیرفت که از گذشته تاکنون تحولات چشمگیری در رژیم مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی واقع گردیده است. از آن جمله پذیرش مسئولیت مبتنی بر خطر، گسترش مسئولیت بخش خصوصی، پذیرش مسئولیت کیفری برای برخی از تخلفات زیست محیطی، گسترش ضمانت اجراها.....

برای کارآمدتر شدن هرچه بیشتر رژیم مسئولیت در این حوزه باید به همین موارد اکتفا نمود و تلاش بیشتری انجام داد. با توجه به اینکه در واقع مخاطب اصلی مقررات محیط زیستی افراد کشورها، هستند بهتر است برای تضمین اجرای این مقررات و تأمین هر چه بیشتر حفاظت از محیط زیست یک مکانیسم بین‌المللی، جدای از سیستم‌های حقوقی ملی یا حداقل در کنار آنها تعبیه گردد.

رژیم مسئولیت باید بتدریج از حالت اختیاری، تشویقی و توصیه‌ای بودن فاصله گرفته و به سمت اجباری و تحمیلی بودن سوق داده شود و به منظور فراهم کردن بستر مناسب برای این چرخش باید از مفاهیمی همچون میراث مشترک بشریت و قواعد آمره استفاده شود.

یکی از معضلات حقوق بین‌الملل محیط زیست و از جمله رژیم مسئولیت فقدان یک ارگان و متصدی خاص و مستقل می‌باشد. هر چند سازمانهای مختلف و برخی از ارکان سازمان ملل به اشکال گوناگون خود را متصدی این امر می‌دانند، اما واقعیت این است که این حوزه از حقوق بین‌الملل نیاز به یک متصدی مستقل و مقتدر جهانی دارد که باید در جهت ایجاد آن تلاش نمود.

پی‌نوشت

۱. ماده ۳۵ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت: دولت مسئول تخلف بین‌المللی ملزم به اعاده است، یعنی باید وضعیتی را که پیش از ارتکاب تخلف وجود داشته برقرار نماید، مشروط بر و تا حدودی که اعاده:

الف. عملاً غیر ممکن نباشد.

ب. مستلزم تحمیلی به کلی غیر متناسب با نفعی که از اعاده به جای جبران خسارت حاصل می‌گردد، نباشد.

کتاب‌نامه

برانلی، ایان، (۱۳۸۳)، *حقوق بین‌الملل در واپسین سالهای قرن بیستم*، ترجمه صالح رضایی پیش رباط، نشر وزارت امور خارجه.

پورنوری، منصور و حبیبی، محمد (۱۳۸۵). *حقوق بین‌الملل دریاها*، مرکز ملی اقیانوس‌شناسی.

- پورهایشمی، سید عباس و موسوی، مریم السادات (۱۳۹۰). «مسئولیت بین المللی دولت ها در حقوق محیط زیست» دانشنامه حقوق و سیاست شماره ۱۵، بهار و تابستان.
- حبیبی، حسن (۱۳۸۲). *حقوق بین الملل عمومی*، جلد دوم، انتشارات اطلاعات
- حبیبی، محمد حسن (۱۳۹۲). *حقوق محیط زیست*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دفتر حقوقی و امور مجلس (۱۳۸۳). *مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست*، جلد دوم، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۸۱). «توسعه مسئولیت بین المللی در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست» فصلنامه پژوهش های حقوقی، شماره ۱، بهار و تابستان.
- زمانی، سید قاسم (۱۳۸۴). *حقوق سازمان های بین المللی، شخصیت، مسئولیت، مصونیت، مؤسسه پژوهش های حقوقی شهر دانش*، چاپ اول.
- ساعده، نادر (۱۳۸۹). *حقوق زیست محیطی بشر*، نشر دادگستر، چاپ اول، تهران.
- ضیاء بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴)، *حقوق بین الملل عمومی*، چاپ پانزدهم، انتشارات گنج دانش تهران،
- فرشا سعید، پرویز و عیسی زایی، مه لقا (۱۳۹۴)، «مسئولیت بین المللی دولتها در پیشگیری و جبران خسارات ناشی از آلودگی های فرامرزی»، کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در علوم کشاورزی و محیط زیست.
- فقیه حبیبی، علی (۱۳۹۵). «مسئولیت بین المللی دولتها ناشی از خسارت زیست محیطی از جنگ»، فصلنامه علمی -ترویجی مطالعات بین المللی پلیس، سال ششم، شماره ۲۶، تابستان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، «مسئولیت ناشی از خسارت های زیست محیطی» فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان
- کرافورد، جیمز و دیگران (۱۳۸۲). «نقدی بر طرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسئولیت بین المللی دولتها برای اقدامات متخلفانه بین المللی»، ترجمه زهرا کسمتی، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۲.
- مستقیمی، بهرام، طارم سری، مسعود (۱۳۷۷) *مسئولیت بین المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران*، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- موسوی، سید فضل الله (۱۳۸۰)، *حقوق بین الملل محیط زیست*، چاپ اول انتشارات میزان.
- موسوی، مهدی و موسوی، فضل الله (۱۳۸۷). «نقد و بررسی مقاله تحول تدریجی حقوق محیط زیست بین المللی و مسئولیت دولتها»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. تابستان

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق محیط زیست (علی فقیه حبیبی) ۲۲۱

موسوی، سید فضل‌ا... (۱۳۸۴)، *حقوق بین‌الملل محیط زیست*، نشر میزان.
موسوی، سید فضل‌ا... (۱۳۸۵)، *تحولات حقوق بین‌الملل محیط زیست*، نشر میزان.
میرعباسی، سید باقر و نظری، حمید (۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای بر دیوان بین‌المللی کیفری*. تهران: انتشارات جنگل.
والاس، ربکا (۱۳۸۲)، *حقوق بین‌الملل*، ترجمه دکتر سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
ولفروم، رودیگر (۱۳۸۱)، «مسئولیت بین‌المللی مدنی در قبال خسارات زیست محیطی وسیله‌ای برای اجرای قواعد حقوق بین‌المللی محیط زیست» ترجمه و تحقیق ساعد، نادر، فصلنامه محیط زیست، شماره ۳

Brikell; Berndt ;(1992),The Norms of the Basel convention Environment Justice and legal process”
Crawford, James,(2002), The ILC s Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts”: a Retrospect, Published online by Cambridge University Press: 27 February 2017, Available at: www.asil.org/ajil 024 .pdf.
Draft Articles on Responsibility of states for internationally wrongful Acts, Adopted by International law Commission of United Nations Organization at 2001.
Hao -Nhien Q. Vu ,(1994),"The law of treaties and the export of hazardous waste", UCLA Journal of Environmental Law and Policy, 12(2)
Institute of International and Comparative Law(ICLQ) ,No.39,1990
International Court of Justice Reports, 1969-1999.
Soyland; Svend and Prabhu; Mohan,(1998); “Criminal law and its administration in international environmental conventions”, Summary Proceedings of a Regional Workshop Co-organised by UNICRI, Commonwealth Secretariat and South Pacific Regional Environmental [sic] Programme (SPREP) : Apia, Samoa 22/26 June
The Basel Convention-Article four 1989.